

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر رضایت سالمندان از خدمات رفاهی بازنشستگی (مورد مطالعه: بازنشستگان تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران)

مصطفی منتظرالمهدی^۱

رضا صمیم^۲

آمنه صدیقیان بیدگلی^۳

رضا مهدی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۰

چکیده

سالمندان از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند که در آینده‌ای نزدیک، جامعه با مسائل و مشکلات آن‌ها روبه‌رو خواهد شد. مطالعه کمی حاضر به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر رضایت سالمندان از خدمات رفاهی بازنشستگان شهرداری تهران پرداخته است. داده‌های آن نیز با پیمایش و استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری ۲۲۵۵ نفر از بازنشستگان بالای ۶۵ سال تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران هستند. از این تعداد ۳۸۹ نفر با استفاده از فرمول‌های موجود انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه شد. همچنین، در این پژوهش برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های حد وسط، پراکندگی و توزیع برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنباط آماری از تحلیل چندمتغیره رگرسیون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد میان سن و میزان رضایت بازنشستگان ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین میزان رضایت پاسخگویان متأثر از پایگاه فرهنگی آن‌هاست، اما میان متغیر وابسته، یعنی میزان رضایت بازنشستگان و متغیرهای جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. با وجود این نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد مدل رگرسیونی پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته پژوهش است. **واژه‌های کلیدی:** بازنشستگی، سالمندان، شهرداری تهران، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (نویسنده مسئول)،

mostafa_montazer@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، reza.samim@iscs.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، sedighian@iscs.ac.ir

۴. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، reza.samim@iscs.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

در ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی شاهد تشکیل دولت‌هایی با آرمان‌های اقتصادی دولت‌های رفاه بوده‌ایم. بخش‌هایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس آرمان‌های دولت رفاه نگارش شده است. در اصل ۴۳ بر «تأمین نیازهای اصلی و اساسی شهروندان» تأکید می‌شود یا در اصل ۳۰ «آموزش و پرورش رایگان» تا سطح متوسطه مدنظر قرار گرفته است. در اصل ۲۹ نیز بر «تأمین اجتماعی» به‌عنوان سرفصل برنامه‌های حمایتی تأکید شده است. در مجموع براساس ایده‌های دولت رفاه، نهاد قدرت باید به فکر تأمین نیازهای شهروندان به‌ویژه اقلیت‌ها باشد. در این نگاه همواره نوع و کیفیت حمایت از اقلیت‌هایی که نیازمند حمایت اقتصادی دولت هستند، مسئله‌ای درخور پژوهش و بررسی است. یکی از این اقلیت‌ها که به‌دلیل رشد گسترده جمعیت خود در سال‌های اخیر دیگر اقلیت به‌شمار نمی‌آید سالمندان هستند. در ایران، کاهش مولید، افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ‌ومیر و مهاجرت، مانند دیگر مناطق جهان، سالمندی را به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های جمعیتی و اجتماعی تبدیل کرده است. پدیده افزایش جمعیت سالمندان برای دولت‌هایی که سعی دارند سطحی از رفاه را برای همه شهروندان، به‌ویژه آن‌هایی که شرایط درگیری در مناسبات اقتصادی را ندارند و از این حیث محروم تلقی می‌شوند فراهم کنند، نوعی پدیده چالش‌برانگیز از نظر اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی است (کالیچ، ۲۰۰۳: ۲۰).

افزایش جمعیت این گروه، نیازهای آن‌ها را متنوع‌تر و برطرف‌کردن و تأمین این نیازها را به‌ویژه در دوران رکود اقتصادی دشوارتر می‌کند. رفاه و آسایش سالمندان برحسب سطح توسعه اجتماعی- اقتصادی (ساخت سیاسی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی و سطح توسعه اقتصادی)، ساختار و مؤلفه‌های جمعیتی جامعه، سلامت جسمی و عاطفی و شرایط زندگی آن‌ها، تابعی از عوامل به‌هم‌پیوسته و مرتبط است. رشد روزافزون نارضایتی سالمندان، به‌ویژه سالمندان بازنشسته از خدماتی که دولت در قالب سازمان‌های بیمه‌ای و بازنشستگی ارائه می‌دهد نشان‌دهنده مسئله‌مندشدن وضعیت سالمندان در جامعه ایرانی است. اعتراض بازنشستگان بخش‌های گوناگون، مانند بازنشستگان آموزش و پرورش، بازنشستگان نیروهای مسلح، بازنشستگان بخش‌های صنعتی و خدماتی و... مؤید این افزایش نارضایتی‌هاست. یکی از عوامل بیشترشدن این نارضایتی‌ها و مسئله‌مندشدن وضعیت سالمندان بازنشسته، رکود اقتصادی، تحریم‌ها، کسری

بودجه و حمایت نکردن برنامه‌های بالادستی، مانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در راستای توانمندسازی صندوق‌های بازنشستگی است که همه آن‌ها عوامل اقتصادی محسوب می‌شوند و همواره مانعی اساسی بر سر راه افزایش رفاه و سطح کیفیت زندگی سالمندان در ایران بوده‌اند، اما فارغ از چنین عواملی، گاه برخی عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز مانع افزایش رفاه و سطح رضایت از خدمات رفاهی در سالمندان می‌شود. این عوامل می‌تواند چنین مانعی را هم در سالمندان بازنشسته و هم در میان سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌های رفاهی ایجاد کند.

در کشورهای دیگر، توجه ویژه به عوامل اجتماعی و فرهنگی برای ارتقای سطح رضایت سالمندان از خدمات رفاهی دیده می‌شود؛ برای مثال در سال ۱۹۹۰ میلادی دولت سوئد از کتابخانه‌ها خواست تا در ایجاد امکانات برای سالمندانی که نمی‌توانند برای مطالعه به کتابخانه مراجعه کنند کمک کنند. این فراخوان به اجرای طرحی موسوم به «همگانی بودن کتابخانه‌های عمومی برای تمام سنین» انجامید. طرحی که رضایت سالمندان را در برداشت؛ بی‌آنکه بر عوامل اقتصادی تأکید داشته باشد. در ارتباط با این طرح، گروه‌های مطالعاتی تشکیل شد که علاوه بر آنکه هدف دسترسی آسان‌تر به کتاب را برای سالمندان فراهم می‌کردند، تجربه مشارکت اجتماعی فعال را که سالمندان به دلیل دوری از محیط‌های اجتماعی از آن بی‌بهره بودند به وجود آورد (ایروال، ۲۰۰۲).

سازمان بازنشستگی شهرداری تهران از مؤسسات بزرگ حمایت و تأمین اجتماعی در ایران است که تأمین اجتماعی کارکنان رسمی شهرداری تهران را برعهده دارد. این سازمان حدود ۲۷۰۰ سالمند بازنشسته و ۱۰ هزار خانواده بازنشسته و موظفی بگیر را تحت پوشش دارد. این سالمندان براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پایگاهی، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند که به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها برخی سیاست‌های متمرکز رفاهی را در این سازمان با چالش مواجه کرده است. تدوین سیاست‌های رفاهی در این سازمان، از آنجا که به شهرداری به‌عنوان نهادی عمومی و نه دولتی تعلق دارد، انعطاف بیشتری از سازمان‌های دولتی دیگر دارد. علی‌رغم امکان این انعطاف، نوعی تمرکزگرایی و خاص‌گرایی در تدوین سیاست‌های این سازمان وجود دارد که گاه موانعی جدی در ایجاد رضایت از خدمات رفاهی در میان سالمندان بازنشسته تحت پوشش ایجاد می‌کند. برخی قوانین در مجموعه آیین‌نامه‌های مصوب در این

سازمان که در هیئت‌مدیره و کمیته‌های «فرهنگی و بازنشستگی» به تصویب می‌رسد، نشان‌دهنده میل سیاست‌گذار در سازمان بازنشستگی شهر تهران در شکستن مرزهای این تمرکزگرایی است. این پیش‌فرض اساسی در فعالیت‌های رفاهی سازمان بازنشستگی شهرداری تهران وجود دارد که نمی‌توان چنین فعالیت‌هایی را تنها فعالیتی اقتصادی به قصد تأمین صرف معیشت سالمندان بازنشسته در نظر گرفت. نقش حاکمیتی حمایت اجتماعی سازمان‌هایی از این دست ایجاب می‌کند هدف اصلی نه تنها تأمین اقتصادی، بلکه انتقال نوعی هویت اجتماعی و فرهنگی به سالمندان بازنشسته و خانواده‌های تحت تکفل آن‌ها باشد. سالمندان بازنشسته تحت پوشش این سازمان در بسیاری موارد نفوذ فرهنگی و اجتماعی چشمگیری در میان چند نسل از خانواده‌های خود دارند. ایجاد حس رضایت در میان این سالمندان می‌تواند در میان چند گروه نسلی از خانواده‌های آنان حس تعلق سازمانی ایجاد کند.

به نظر می‌رسد تمرکز بر برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به دلیل برخی موانع سیاست‌گذارانه به حد کفایت نبوده است. البته در بسیاری از سالمندان به دلیل معضلات اجتماعی در کشور، خدمات سازمان بیش از آنکه در بردارنده حسی از تعلق سازمانی و در بعدی کلان‌تر تعلق حاکمیتی و اخلاقی باشد، منبع ایجاد نارضایتی در برخی افراد تحت پوشش است. تمرکز صرف بر مسائل اقتصادی و گسترش طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، بیشتر به ایجاد حس رضایت مقطعی انجامیده است. تجربه زیسته برخی سیاست‌گذاران در سازمان نشان می‌دهد، گاهی با افزایش تنوع طرح‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی، میزان رضایت تفاوت محسوسی نشان نمی‌دهد. بازنشسته‌ها در کنار گسترش طرح‌های اقتصادی انتظار دارند نوعی امنیت روانی غیراقتصادی در آن‌ها ایجاد شود. جنس این امنیت بیشتر فردی و کمتر سازمانی است و نیازمند آن است که افراد و نیازهای فرهنگی و اجتماعی ویژه آن‌ها مبتنی بر پایگاه فرهنگی‌شان شناسایی شود. در بسیاری مواقع، طرح‌های اجتماعی و برنامه‌های فرهنگی که به صورت کلی و متمرکز به تصویب می‌رسد در گروهی رضایت و در گروهی نارضایتی ایجاد می‌کند.

در این مقاله، ابتدا میزان رضایت سالمندان بازنشسته شهرداری تهران از خدمات رفاهی ارائه‌شده از سازمان بازنشستگی شهرداری تهران سنجش و بررسی شده است. سپس شناسایی

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان رضایت سالمندان بازنشسته شهرداری تهران از خدمات رفاهی ارائه شده صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

یکی از قسمت‌های مهم پژوهش علمی، مرور پژوهش‌های پیشین است که بینش وسیع‌تری از موضوع مورد نظر به دست می‌دهد. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر به نهادی خاص به نام شهرداری تهران مربوط است، بیشتر به پژوهش‌هایی پرداخته شده که در مورد بازنشستگان این سازمان انجام شده است. در بیشتر مطالعات مربوط به سالمندان بازنشسته در تهران، ابتدا رضایت آن‌ها از خدمات رفاهی سنجش شده است. اصولاً سنجش میزان رضایت، مقدمه‌ای اساسی برای ورود به ارزیابی و شناسایی تأثیر عواملی است که میزان رضایت را تعیین می‌کنند. برخی پژوهش‌ها که در جدول ۱ به آن اشاره شده است، از چارچوب نظری کیفیت زندگی بهره برده‌اند. براین اساس افزایش کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته مساوی با افزایش سطح رضایت آن‌ها از خدماتی است که از سازمان‌های بازنشستگی تابع خود دریافت کرده‌اند. در مقاله حاضر، اولویت‌دادن به نقش خدمات غیراقتصادی و حمایت‌های اجتماعی در ایجاد حس رضایت سالمند بازنشسته از خدمات دریافتی مدنظر قرار گرفته است. به بیان دیگر در اینجا رفاه ذهنی عاملی مهم‌تر از رفاه عینی است

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتایج
۱	عزت‌اله سام آرام	۱۳۷۶	بررسی و شناخت وضع موجود سالمندان در شهر تهران	سالمندان شهر تهران	نزدیکی پارک‌های داخل شهر به محل سکونت سالمندان این فرصت را به وجود آورده است که سالمندان بیمار به جای ماندن در خانه به پارک مراجعه کنند و درحقیقت در آنجا استراحت کنند. از نظر پژوهشگر ممکن است در آینده نزدیک، پارک‌نشینی در میان سالمندان تهران به نوعی «هنجار رفتاری» برای دوران پیری تبدیل و فراگیر شود.
۲	معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران	۱۳۸۹	بررسی میزان رضایت بازنشستگان شهرداری درباره خدمات ارائه شده از سوی شهرداری به ایشان	بازنشستگان شهرداری تهران	در این پژوهش میزان رضایت سالمندان بازنشسته متوسط رو به بالا ارزیابی شده است.

ادامه جدول ۱. خلاصه‌های از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتایج
۳	محمد زاهدی اصل	۱۳۹۱	نقش خدمات مددکاری اجتماعی در ارتقای کیفیت زندگی افراد سالمند دریافت‌کننده خدمات مددکاری اجتماعی از مؤسسه خیریه کهریزک محمدشهر کرج	همه سالمندان (۱۴۵ نفر) ۶۰ تا ۸۵ سال (دارای پرونده در مؤسسه خیریه کهریزک محمدشهر کرج هستند که ۱۳ زن و ۱۱ مرد را شامل می‌شوند)	خدمات مددکاری اجتماعی ارائه‌شده به سالمندان از سوی مؤسسه بیشتر در حوزه اقتصادی مرتبط با افراد سالمند بی‌بضاعت مؤثر بوده است. به‌طورکلی با توجه به سطح کمی و کیفی این خدمات، تأثیر غیرمستقیم و نامحسوس در کیفیت زندگی افراد سالمند داشته است.
۴	عزت‌اله سام‌آرام	۱۳۹۲	بررسی کیفیت زندگی سالمندان شهر تهران و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: منطقه ۶)	سالمندان بالای ۶۰ سال شهر تهران با مطالعه موردی منطقه ۶	هرچه رابطه سن، جنس، وضعیت تأهل، سواد، وضعیت تملک مسکن و میزان ارتباط با خانواده بیشتر باشد، کیفیت زندگی بالاتر است. از سوی دیگر هرچه سطح اقتصادی و اجتماعی سالمند بالاتر باشد، اعضای خانواده با کیفیت زندگی می‌کنند. در واقع زمانی حمایت‌های اجتماعی سالمندان، به‌ویژه در کیفیت زندگی بهبود می‌یابد که هم بعد عینی و هم بعد ذهنی کیفیت زندگی را دربرگیرد.
۵	نیکا حاتمی‌زاده	۱۳۸۴	بررسی کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته عضو سازمان بازنشستگی ساکن شهر تهران در سال ۱۳۸۴	بازنشستگان بالای ۶۰ سال مشترک (عضو) سازمان بازنشستگی کشوری	کیفیت زندگی زنان از مردان نامطلوب‌تر است. همچنین کیفیت زندگی با افزایش سن کاهش می‌یابد؛ به‌ویژه در قلمروهای مشکل جسمانی، سلامت عمومی و درد جسمانی. کیفیت زندگی نیز با افزایش سن، بیشتر کاهش می‌یابد. درحالی‌که در قلمروهای مربوط به حیطه سلامت ذهنی، کیفیت زندگی با افزایش سن بیشتر می‌شود. از سوی دیگر با افزایش سطح تحصیلات، کیفیت زندگی، به‌ویژه در حیطه سلامت ذهنی افزایش یافته است.
۶	ملیحه شیبانی	۱۳۹۰	بررسی تأثیر برنامه‌های اجتماع‌محور بر میزان رفاه ذهنی سالمندان: مطالعه موردی کهریزک شعبه کرج	سالمندان ۶۰ سال به بالای آسایشگاه کهریزک (شعبه کرج)	سالمندانی که در برنامه‌های اجتماع‌محور شرکت داشته‌اند و خدمات معناداری را دریافت کرده‌اند، از میزان رفاه ذهنی بیشتری برخوردار بوده‌اند.
۷	سام شیما و همکاران	۱۳۹۴	وضعیت نشانگان بازنشستگی در بازنشستگان	بازنشستگان بالای ۵۰ سال شهر بابل	احساس درماندگی و شکست با احساس سردرگمی و تعارض هم‌بستگی مستقیم دارد. همچنین احساس تلاش و جهت‌گیری جدید با احساس پیری و بطلان هم‌بستگی مستقیم و با احساس درماندگی و شکست هم‌بستگی معکوس دارد. به‌طورکلی نتایج طرح نشان می‌دهد بازنشستگان شهرستان بابل کم‌وبیش از نشانگان بازنشستگی رنج می‌برند؛ بنابراین توجه به این قشر و بهبود شرایط افراد بازنشسته ضروری به‌منظر می‌رسد.

مباحث نظری و مفهومی پژوهش

این ایده که شهروندان یک دولت باید حداقل امکانات لازم برای گذران زندگی را در اختیار داشته باشند به ایده رفاه مشهور است و پیشینه‌ای صدساله دارد. برای طرح این ایده، ابتدا لازم بود مفهوم دولت (State) به گونه‌ای تکامل یابد که میانجی‌ای برای تنظیم مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهروندان معنا شود. همچنین نیاز بود مناسبات اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شکل کنش انسانی مدنظر قرار بگیرد.

دولت رفاه دولتی است که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی و همگانی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی، دولت به کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند، یاری‌رسانی می‌کند و این کار با پرداخت مستمری صورت می‌گیرد (رحیق اقصان، ۱۳۸۴: ۴۰۳). در دولت‌های رفاه، تأمین نیازها و حمایت اجتماعی از گروه‌های خاص و اقلیت در اولویت قرار دارد. یکی از این گروه‌های خاص سالمندان هستند که دولت‌ها و نهادهای وابسته به قدرت موظف‌اند همه سازوکارها برای تأمین نیازهای آنان را فراهم کنند.

نظریه اصلی این پژوهش که چارچوب نظری را سامان می‌دهد نظریه رفاه است. این نظریه صورتی سامان‌یافته از آن چیزی است که پیش‌تر با عنوان ایده رفاه از آن نام برده‌ایم. «نظریه رفاه ابزاری است تا به مدد آن اصول حاکم بر طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی را بشناسیم و تأثیر این سیاست‌ها را بر جملگی افراد جامعه دریابیم» (پتریک، ۱۳۸۱: ۸). براین‌اساس نکته بسیار مهم آن است که در فهم مفهوم رفاه اجتماعی، سیاست اجتماعی به‌مثابه یک مفهوم و البته نظریاتی که آن را پشتیبانی می‌کند از اهمیت برخوردار است؛ بنابراین باید گفت در این پژوهش هر جا از نظریه‌های رفاه سخن گفته شده است، دیدگاه‌ها پیرامون سیاست اجتماعی نیز مدنظر خواهد بود.

نظریه‌های رفاه اجتماعی به دو دسته کلی نظریه‌های فردگرایانه رفاه اجتماعی و نظریه‌های جمع‌گرایانه رفاه اجتماعی تقسیم می‌شود. در نظریه اول، اعتقاد بر این است که «پیشرفت‌های رفاهی تنها حاصل تبادلات و خرید و فروش افراد در بازار یا تولید محصولاتی است که موردنظر افراد باشد» (باری، ۱۳۸۰: ۱۵). نظریه‌های فردگرایانه رفاه اجتماعی بیشتر از فلسفه اقتصاددانان سیاسی متأثر است و نوعی لیبرالیسم یا نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاسی در آن قرار دارد. نظام‌های

حمایتی و شیوه‌های اعمال کنش‌های نظارتی و البته آرمان‌ها و اهداف تا حدودی با آنچه نظریه‌های جمع‌گرایانه رفاه اجتماعی درصدد تبیین آن هستند، متفاوت است. در نظریه‌های جمع‌گرایانه رفاه اجتماعی، ضرورت‌های رفاهی باید از بعد جمعی تفسیر شود. براساس این نظریه‌ها ارزش‌هایی اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقا یابد تا سطح رضایت بیشتر شود. «در این دیدگاه پدیده‌های جمعی از نظر چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند و در آن، ابزارآلات رفاهی براساس عملکرد مربوط به بالابردن میزان کالاهای مادی ارائه می‌شود» (همان). دیدگاه‌های جمع‌گرایانه بیشتر به اندیشه‌ورزی‌های هگل در باب دولت و جامعه مدنی متکی است. وی اعتقاد داشت، اگر دولت و جامعه مدنی (همان جامعه‌ای که در آن مناسبات غیرسیاسی، مانند مناسبات اقتصادی حاکم است) را به حال خود رها کنیم و هیچ ارزش اجتماعی را ورای افراد حفظ نکنیم، شاهد ارتقای سطح امنیت و رفاه نخواهیم بود. هرچند این دو نظریه ریشه‌های مشترکی دارند، به‌کارگیری هر یک نتایجی متفاوت دارد. نظریه‌های فردگرایانه که پایه دولت‌های رفاه در نوع کلاسیک بودند (آن‌ها که بیشتر در انگلستان و ایالات متحده آمریکا به‌وجود آمدند)، اصولاً اعتقاد داشتند انسان‌ها «افرادی خودخواه و حسابگر و اصولاً تنبل و غیراجتماعی هستند» (هانت، ۱۳۸۱: ۱۰۴). این نگاه بدبینانه به افراد به‌عنوان کنشگرانی که هر لحظه امکان دارد قراردادهای اجتماعی را برهم بزنند تا حدود بسیاری در نظریه‌های جمع‌گرایانه مرتفع شده است. در این نظریه‌ها، با تکیه بر مفاهیمی از قبیل مسئولیت عمومی و مشارکت که ارزش‌های اجتماعی جامعه مدنی به حساب می‌آیند، انسان‌ها کنشگران ایجاد فضایی محسوب می‌شوند که قرار نیست به سبب منفعت‌طلبی افسارگسیخته فردی به نابودی و بحران نزدیک شود. در این پژوهش، با توجه به برخی ویژگی‌های جامعه ایرانی، در نوع نگاه به سیاست‌های اجتماعی تدوین‌شده برای سالمندان بازنشسته، نظریه‌های جمع‌گرایانه رفاه اجتماعی را مدنظر قرار خواهیم داد. پژوهشگر به‌کمک این نظریه‌ها، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را در نیل به رفاه اجتماعی بررسی می‌کند. نظریه‌های بسیاری درباره اهمیت و نقش این عوامل در ایجاد رفاه، به‌ویژه برای سالمندان به‌عنوان گروهی خاص وجود دارد؛ برای مثال لاوتن (۱۹۸۳) بهزیستی و رفاه سالمندان را در گرو توانایی‌ها و شایستگی‌های رفتاری و اجتماعی، کیفیت زندگی دریافت‌شده، رفاه و بهزیستی روان، محیط فیزیکی عینی و خارج از منزل سالمندان

می‌داند و مفهومی چهاربعدی از زندگی مطلوب یک سالمند ارائه می‌دهد. از نظر وی، کیفیت زندگی به‌کمک ابعاد ذهنی، روانی، بیرونی و محیطی اندازه‌گیری می‌شود. در اینجا لاوتن از مفهوم «کیفیت زندگی» سالمند بهره برده است. این مفهوم به مجموعه شرایطی ناظر است که در آن سالمند، نوعی سالمندی موفق^۱ را تجربه می‌کند. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد هدف سازمان‌هایی که سالمندان بازنشسته را تحت پوشش قرار می‌دهند این است که آن‌ها با استفاده از خدمات رفاهی، نوعی سالمندی موفق را سپری کنند. از آنجا که بازنشستگان سالمند پیش از بازنشستگی تجربه حضور اجتماعی و مشارکت فعال داشته‌اند، با چالش‌های بیشتری مواجهند. شوارتز بازنشستگی را انتقال به الگوی تازه زندگی معرفی می‌کند و بهترین راه برای حل مشکلات آنان را ارائه خدمات رفاهی برمی‌شمرد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷). درحقیقت قرار است خدمات رفاهی علاوه بر آنکه نیازهای اقتصادی سالمندان بازنشسته را تأمین می‌کند، برخی چالش‌های ناشی از دوری آن‌ها از محیط اجتماعی را نیز برطرف کند. در این صورت می‌توان گفت سالمند بازنشسته نوعی سالمندی باکیفیت را سپری خواهد کرد. چالش سالمندان بازنشسته کاهش کیفیت زندگی پس از بازنشستگی است؛ به همین دلیل وظیفه سازمان‌های حمایت‌کننده آن‌ها در دوران بازنشستگی سخت می‌شود. اصلی بازنشستگی را در جهت جابه‌جایی نقشی به نقش دیگر تفسیر می‌کند و می‌گوید در این جابه‌جایی ممکن است کیفیت زندگی افراد با مخاطره مواجه شود (همان). نظریه پردازانی مانند لینگر نیز به نقش فرهنگ و جامعه و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی حمایتی در ارتقای رضایت افراد از زندگی توجه کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت در انتقال نقشی که در جریان بازنشستگی صورت می‌گیرد، می‌توان به نقش ساختارهای حمایتی اجتماعی و فرهنگی در جلوگیری از تنزل رضایت بازنشستگان از زندگی و میزان کیفیت زندگی آن‌ها اشاره کرد (محمدی و حسین‌چاری، ۱۳۸۸).

گیدنز (۱۳۷۴) بازنشستگی را وضعیتی می‌داند که در آن افراد و خانواده‌هایشان با مسائل و مشکلات روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. یکی از پیامدهای بازنشسته‌شدن علاوه بر مشکلات اقتصادی به‌دلیل کاهش درآمد، از دست دادن شغل به‌عنوان منبعی برای تأمین منزلت اجتماعی مطلوب است. درحقیقت بازنشستگی از بین برنده نوعی

منزلت اجتماعی است که بر رضایت فرد از زندگی تأثیری اساسی دارد. از دیدگاه هندری و مک‌ویتی، بازنشستگانی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند، بعد از بازنشستگی شبکه روابط اجتماعی خود را حفظ می‌کنند و چالش‌های کمتری در شاخص‌های کیفیت زندگی دارند (گروسی و نقوی، ۱۳۸۷). به بیان دیگر، میزان مشارکت اجتماعی، یعنی درگیری سالمند در روابط و تعاملات اجتماعی تعیین‌کننده تجربه سالمندی موفق است.

گبریوم (۱۹۷۲)، جامعه‌شناس سالمندی مدلی را ارائه می‌کند که در آن محیط سالمندی در دو زمینه اجتماعی و فردی تصویر می‌شود. زمینه اجتماعی از هنجارهای اجتماعی تشکیل شده است و در مجموع در ایجاد رضایت در سالمندان نقشی اساسی دارد. عوامل اجتماعی در زمینه اجتماعی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ عوامل پیشینی که فرد همواره با خود حمل می‌کند و البته در میزان رضایتش مؤثر است، مانند سن، جنس، تحصیلات و... و دیگری عوامل اجتماعی‌ای که در ادبیات جامعه‌شناسی سالمندی در باب آن صحبت شده است، مانند منزلت اجتماعی، احساس عدالت و... در این پژوهش براساس این چارچوب نظری، متغیرها و فرضیه‌ها در بخش کمی ساخته شده‌اند. سنجش هریک از متغیرها یا به عبارت دیگر تعریف عملیاتی آن‌ها بر دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در پایان‌نامه مبتنی است. براساس پشتوانه نظری فوق می‌توان فرضیه‌هایی را در باب رابطه طبقه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و احساس عدالت با رضایت بازنشسته مطرح کرد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر کمی است. از میان جامعه آماری مورد مطالعه، یعنی ۲۲۵۵ نفر از سالمندان بازنشسته بالای ۶۵ سال که تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران بودند، ۳۸۹ نفر با استفاده از فرمول کوکران استخراج شدند. داده‌های مورد نیاز نیز با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه تلفنی گردآوری شده است. همچنین در این پژوهش برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های حد وسط، پراکندگی و توزیع و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها و استنباط آماری از تحلیل چندمتغیره رگرسیون و باری این منظور از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. در پژوهش حاضر، اعتبار صوری برای بررسی میزان انطباق مشاهدات و

پرسش‌های پژوهش با اهداف اصلی پژوهش کاربرد داشته است. پژوهشگر برای تعیین اعتبار به کمک استادان علوم اجتماعی، از اعتبار صوری برای تعیین اعتبار پرسشنامه طراحی شده استفاده کرده است. همچنین با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ روایی متغیرهای طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۵۲، ۰/۶۵، ۰/۷۰، ۰/۷۲، ۰/۸۲، ۰/۸۹ محاسبه شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد ۳۲۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد (۸۲/۳ درصد) و ۶۹ نفر آن‌ها (۱۷/۷ درصد) زن هستند. همچنین ۵/۴ درصد آزمودنی‌ها مجرد، ۸۴/۱ درصد متأهل، ۳/۹ درصد بی‌همسر به دلیل فوت و ۰/۸ درصد بی‌همسر به دلیل طلاق هستند. ۵/۷ درصد از بازنشستگان نیز به پرسش درباره وضعیت تأهل خود جواب نداده‌اند. از نظر میزان تحصیلات نیز ۸۳/۳ درصد زیردیپلم، ۳۷/۸ درصد دیپلم، ۱۳/۶ لیسانس و ۴/۹ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر داشته‌اند. ۱ درصد نیز به این پرسش پاسخ نداده‌اند. از نظر میزان حقوق و مزایا، ۸ درصد آزمودنی‌ها تا ۱ میلیون تومان، ۲۶/۵ درصد از ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان، ۳۰/۳ درصد از ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان، ۳۲/۹ درصد از ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان و ۷/۲ درصد از ۲/۵ تا ۳ میلیون تومان به بالا حقوق و مزایا داشته‌اند. ۲/۳ درصد هم به این پرسش پاسخ نداده‌اند. بدین ترتیب ۹۰ درصد پاسخگویان حقوق ۲/۵ میلیون یا کمتر دریافت می‌کنند.

یکی دیگر از متغیرهای مهم شغل فرد بازنشسته هنگام بازنشستگی است. یافته‌ها در این مورد نشان می‌دهند ۱۳/۹ درصد مصاحبه‌شوندگان هنگام بازنشستگی کارگر بوده‌اند. همچنین ۲۶/۲ درصد آن‌ها کارمند ساده، ۱۹/۸ درصد کارشناس، ۱۶/۵ درصد کارشناس مسئول، ۱۴/۷ درصد مدیر میانی و ۵/۹ درصد نیز مدیر رده‌بالا محسوب می‌شدند. افرادی که هنگام بازنشستگی کارمند ساده بوده‌اند بیشتر از طبقات دیگر هستند. همچنین ۳/۱ درصد به پرسش درباره شغلشان هنگام بازنشستگی پاسخ نداده‌اند.

از آنجا که هریک از متغیرها و ابعاد بررسی شده در پژوهش از تعدادی گویه متفاوت

برخوردارند و این مسئله مقایسه میانگین‌ها میان متغیرها را غیرممکن می‌کند، ضروری است میانگین متغیرها برحسب مقیاس صفر تا ۱۰۰ محاسبه شود تا مقایسه متغیرها امکان‌پذیر باشد. میانگین احساس عدالت (۵۷/۰۴) از دیگر میانگین‌های متغیرها بیشتر است. میانگین طبقه اجتماعی (۳۹/۳۵) و سرمایه فرهنگی (۳۹/۰۸) نزدیک یکدیگر هستند که نشان می‌دهد بازنشستگان در این زمینه در وضعیت مساوی قرار گرفته‌اند. میزان میانگین رضایت بازنشستگان (۴۲/۰۸) نیز از دیگر متغیرها پذیرفته‌تر است. میزان میانگین احساس عدالت اجتماعی بازنشستگان (۵۴/۸۲) نیز در حد مناسبی است. از سوی دیگر، رتبه‌بندی میزان رضایت بازنشستگان نشان می‌دهد ۶۰/۶ درصد رضایت کم، ۲۷ درصد رضایت متوسط و ۱۲/۴ درصد رضایت زیادی از خدمات دریافتی دارند.

یافته‌های تحلیلی

آزمون فرضیه‌های پژوهش: جدول ۲ ضریب هم‌بستگی پیرسون میان سن و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی را نشان می‌دهد. ضریب هم‌بستگی پیرسون میان دو متغیر ۰/۱۷- است و چون سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ است، میان متغیرهای سن و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار معکوس وجود دارد؛ به این معنا که هرچه سن بازنشستگی کمتر باشد، رضایت بیشتر می‌شود.

جدول ۳ ضریب‌های فی میان جنسیت و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی را نشان می‌دهد. ضریب فی بین دو متغیر ۰/۴۳۶ با سطح معناداری ۰/۱۹۴ است؛ در نتیجه میان متغیرهای جنسیت و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۴ ضریب هم‌بستگی اسپیرمن میان تحصیلات و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی را نشان می‌دهد. ضریب هم‌بستگی پیرسون میان دو متغیر ۰/۰۳۴ با سطح معناداری ۰/۵۰۶ است؛ در نتیجه میان تحصیلات و متغیرهای رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. آزمون رابطه سن و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی

سن		
-۰/۱۷	هم‌بستگی پیرسون	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	رضایت سالمند
۳۸۹	تعداد پاسخگویان	

جدول ۳. آزمون رابطه جنس و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی

جنس		
۰/۴۳۶	ضریب فی	
۰/۱۹۴	سطح معناداری	رضایت سالمند
۳۸۹	تعداد پاسخگویان	

جدول ۴. آزمون رابطه تحصیلات و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی

تحصیلات		
۰/۰۳۴	ضریب اسپیرمن	
۰/۵۰۶	سطح معناداری	رضایت سالمند
۳۸۹	تعداد پاسخگویان	

جدول ۵ ضریب هم‌بستگی پیرسون میان طبقه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی را نشان می‌دهد. ضریب هم‌بستگی پیرسون میان دو متغیر ۰/۰۷۳ با سطح معناداری ۰/۱۶۳ است؛ در نتیجه میان متغیرهای طبقه اجتماعی و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین ضریب هم‌بستگی پیرسون میان سرمایه فرهنگی و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی (۰/۱۵) با سطح معناداری ۰/۰۰۳ نشان می‌دهد میان متغیرهای رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی و پایگاه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. براساس داده‌های جدول ۴ می‌توان گفت میان احساس عدالت و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی با ضریب هم‌بستگی ۰/۰۹۴ در سطح معناداری ۰/۰۷۳ رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۵. آزمون رابطه طبقه اجتماعی و رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی

سطح معناداری	ضریب پیرسون	
۰/۱۶۳	۰/۰۷۳	طبقه اجتماعی
۰/۰۰۳	۰/۱۵	سرمایه فرهنگی
۰/۰۷۳	۰/۰۹۴	احساس عدالت اجتماعی

تحلیل و معادله رگرسیونی

در این قسمت، ابتدا تحلیل رگرسیون و سپس معادله رگرسیونی براساس جدول‌های ANOVA و Coefficients بررسی شده است. در جدول ۶، تحلیل واریانس متغیرهای مستقل جنس، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی و متغیر وابسته رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی صورت گرفته است. براین اساس باید دانست که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. برای بررسی معناداری به ستون آخر جدول (sig) رجوع می‌کنیم. این ستون معناداری آماری مدل رگرسیون را نشان می‌دهد. چنانچه میزان به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۰۵ باشد، مدل به استفاده‌شده پیش‌بینی‌کننده خوبی برای متغیر رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی است. میزان معناداری در جدول ۶ کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی معنادار است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل جنس، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای متغیر وابسته پژوهش (رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی) هستند.

جدول ۶. تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش

معناداری	مقدار F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۴/۱۴۶	۱۶۵۸/۳۳۲	۷	۱۱۶۰۸/۳۲۶	رگرسیون
		۳۹۹/۹۹۴	۳۱۹	۱۲۷۵۸۱/۹۹۱	باقی‌مانده
			۳۲۶	۱۳۹۱۹۰/۳۱۷	مجموع

اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل (پیش‌بین) در جدول ۷ ارائه شده است. براین اساس اطلاعات ضروری برای پیش‌بین‌های (جنس، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی) متغیر وابسته (رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی) بیان شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقادیر ثابت، سن و پایگاه فرهنگی معنادار شده‌اند. مقادیر بتاهای استاندارد شده متغیرهای سن و پایگاه فرهنگی به ترتیب $0/137-$ و $0/236+$ است. رابطه رگرسیونی برای پیش‌بینی دقیق مقادیر متغیر وابسته به صورت $Y = a + bx$ است که به شرح زیر آمده است:

Y : مقدار پیش‌بینی شده متغیر وابسته (رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی)؛

a : عرض از مبدأ نقطه تقاطع خط رگرسیون با محور Y (مقدار ثابت)؛

b : شیب خط (ضریب رگرسیونی استاندارد نشده)؛

x : مقادیر مختلف متغیر مستقل.

رابطه رگرسیونی اجرا شده عبارت است از: (پایگاه فرهنگی) $0/262+$ + (سن) $(-0/24)$ +

$56/797 =$ رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی

جدول ۷. اطلاعات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	مقدار t	معناداری
	بتا	خطای استاندارد			
مقدار ثابت			۱۰/۶۳۷	۵/۳۴	۰/۰۰۰
جنس	۰/۵۸۳	۳/۱۵۹	۰/۰۱	۰/۱۸۴	۰/۸۵۴
سن	-۰/۲۴	۰/۰۹۹	-۰/۱۳۷	-۲/۴۳۱	۰/۰۱۶
تحصیلات	۲/۲۳۵	۱/۱۹۴	۰/۱۲۹	۱/۸۷۲	۰/۰۶۲
طبقه اجتماعی	۰/۰۹۳	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۱/۲۰۴	۰/۲۳
سرمایه فرهنگی	۰/۲۶۲	۰/۰۷۳	۰/۲۳۶	۳/۵۸۴	۰/۰۰۰
احساس عدالت اجتماعی	۰/۰۲۶	۰/۰۵۹	۰/۰۲۴	۰/۴۳۳	۰/۶۶۶

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه تبیین ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با میزان رضایتمندی بازنشستگان سازمان بازنشستگی شهرداری تهران بود. به همین دلیل در کنار متغیرهای زمینه‌ای، مانند جنس، سن، تحصیلات و...، عوامل اجتماعی و فرهنگی، مانند طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده و ارتباط آن‌ها با متغیر وابسته رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی بررسی شده است. در مجموع این مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته، یعنی رضایت بازنشستگان از خدمات رفاهی را پیش‌بینی کند.

همچنین بررسی نتایج تفصیلی در قالب آزمون فرضیات بیانگر ارتباط معنادار بیشتر متغیرهای پژوهش با متغیر وابسته است. هر یک از نتایج بخشی از واقعیت مسئله بازنشستگی در شهرداری و شاید کل کشور را نشان می‌دهد؛ برای مثال میان متغیرهای رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی و سن رابطه معناداری وجود دارد؛ البته این ارتباط منفی است و می‌توان گفت با افزایش سن میزان رضایت کاهش می‌یابد. از آنجا که سن، معیاری تعیین‌کننده در شروع دوران بازنشستگی است، در اینجا نیز می‌تواند بیانگر معنایی خاص باشد. ممکن است برنامه‌هایی که سازمان بازنشستگی شهرداری برای بازنشستگان خود در نظر گرفته است، متناسب با همه بازنشستگان نباشد. به همین دلیل می‌توان گفت در اوایل بازنشستگی خدمات رفاهی سازمان مذکور جوابگوی نیازهای بازنشستگان خود است، اما با کهنلت سن بازنشستگان کارکرد ماهیت خدمات از بین می‌رود و در نتیجه پاسخگوی نیازهای تغییر یافته بازنشستگان نیست؛ از این رو با افزایش سن میزان رضایتمندی بازنشستگان کاهش می‌یابد. در این مورد یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش حاتمی‌زاده در سال ۱۳۸۴ هم‌سو است. براساس این پژوهش نیز با افزایش سن، کیفیت زندگی بازنشستگان کاهش می‌یابد؛ بنابراین به نظر می‌رسد افزایش سن بازنشستگان آن‌ها، نیاز آن‌ها به خدمات رفاهی را بیشتر می‌کند. به همین دلیل افزایش نارضایتی با افزایش سن می‌تواند به دلیل کاهش کیفیت زندگی باشد.

برخلاف پژوهش مذکور که نشان می‌دهد کیفیت زندگی زنان از مردان پایین‌تر است، در پژوهش حاضر از نظر میزان رضایت دو جنس زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. درباره میزان تحصیلات نیز به همین صورت است؛ بنابراین از نظر میزان رضایت، میان بازنشستگان زن و

مرد و تحصیل کرده‌ها و غیرتحصیل کرده‌ها تفاوتی وجود ندارد. همچنین براساس نتایج نشان میان متغیرهای رضایت سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی و طبقه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که صرف موضوع اقتصاد برای رضایتمندی بازنشستگان کفایت نمی‌کند.

در این میان ضروری است حمایت اجتماعی و فرهنگی مدنظر قرار بگیرد. براساس نتایج پژوهش، میزان رضایت و پایگاه فرهنگی بازنشستگان ارتباطی معنادار دارد. در پایگاه فرهنگی منزلت شغلی بازنشستگان مدنظر است. در این مورد دو نکته وجود دارد. نخست اینکه بازنشستگی که در زمان فعالیت شغل‌هایی با منزلت اجتماعی پایین داشته‌اند، از خدمات رفاهی رضایت کمتری دارند. دوم اینکه بازنشستگی که شغل‌هایی با منزلت بالا داشته‌اند، در دوران بازنشستگی منزلت و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند؛ برای مثال فردی که تا پیش از بازنشستگی مدیرکل و معاون بوده و قدرت و جایگاه ویژه‌ای داشته است، در دوران بازنشستگی تا حدودی این قدرت و جایگاه را از دست می‌دهد.

براساس نتایج این پژوهش میان میزان رضایت از خدمات رفاهی و احساس عدالت اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که موضوع تنها به حقوق و مزایای بازنشستگی مرتبط نیست. رضایت بازنشستگان در کنار مسائل اقتصادی می‌تواند به شرایط و جایگاه اجتماعی آن‌ها بسیار وابسته باشد. شاید مهم‌ترین مسئله در مورد آن‌ها این باشد که احساس کنند هنوز در جامعه دیده می‌شوند و مهم‌تر از آن مفید هستند. نباید بازنشستگان را جزو افرادی در نظر گرفت که دیگر تاریخ مصرفشان برای جامعه تمام شده است؛ از این رو سازمان‌های مختلف، از جمله شهرداری تهران باید برای بازنشستگان برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتری در نظر بگیرند و ارتباط آن‌ها را با سازمان محل خدمتشان قطع نکنند. این کار می‌تواند در قالب اختصاص چند ساعت در ماه برای مشاوره یا اجرای برنامه‌ها و گردهمایی‌های سالانه، یا حتی فصلی انجام شود. همچنین سازمان شهرداری می‌تواند برنامه‌های دوره‌ای برای بازدید آن‌ها در منزل ترتیب دهد. همچنین می‌تواند برنامه‌هایی برای پوشش تلویزیونی گردهمایی‌ها و تجلیل از بازنشستگان و سالمندان ترتیب دهد. البته همه این موارد زمانی اثرگذار است که بازنشستگان از نظر شاخص‌های کیفیت زندگی و حقوق و مزایا در وضعیت مناسبی باشند.

منابع

- باری، نورمن (۱۳۸۰)، *رفاه اجتماعی*، ترجمه اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- پتريک، تونی فیتز (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: گام نو.
- دواتی، علی و اختر جمالی (۱۳۸۳)، «بهرمندی بازنشستگان شهر تهران از خدمات ویژه اوقات فراغت»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۵: ۱۲۳-۱۳۷.
- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۸)، «رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۳۲: ۹۱-۱۰۸.
- رحمان، آرش و سعید ستایشی (۱۳۸۶)، «نقش توزیع ثروت، وراثت و کنترل جمعیت در رفاه اجتماعی: شبیه‌سازی رفاه اجتماعی در جامعه مصنوعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۶: ۱۸۳-۲۰۰.
- ریحق اقصان، علی (۱۳۸۴)، *دانشنامه در علم سیاست*، تهران: فرهنگ صبا.
- زاهدی، محمدجواد، شیانی، ملیحه و پروین علی‌پور (۱۳۸۸)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۳۲: ۱۰۹-۱۲۹.
- سام، شیما، محمودی، یاسمن و، آرام تیرگر، آرام (۱۳۹۴)، «وضعیت نشانگان بازنشستگی در بازنشستگان»، *سالمند*، شماره ۳: ۱۰۰-۱۰۹.
- سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی و خدمات اجتماعی فردی (مددکاری اجتماعی)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۰: ۲۴۵-۲۶۴.
- سام‌آرام، عزت‌الله و امین‌آقایی، مهرناز (۱۳۸۵)، «سیاست‌های سیاست‌های اجتماعی برای سالمندان در ژاپن و سوئد و الگوی مناسب برای سالمندان ایران»، *سالمند*، شماره ۲: ۸۸-۱۰۰.
- سلیمی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۳)، «بررسی سلامت روان و رضایت از زندگی سالمندان بازنشسته مراجعه‌کننده به کانون بازنشستگی دانشگاه‌های علوم پزشکی جندی‌شاپور و شهید چمران اهواز»، *فصلنامه پرستاری و سالمندان*، شماره ۱: ۲۰-۳۱.

- شیانی، ملیحه و حنان زارع (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر برنامه‌های اجتماع‌محور بر رفاه ذهنی سالمندان»، *سالمند*، شماره ۲۹: ۱۶-۲۹.
- علی‌پور، فردین و همکاران (۱۳۸۸)، «نقش حمایت‌های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۳۳: ۱۴۷-۱۶۵.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران»، *مجله رفاه اجتماعی*، شماره ۳۰ و ۳۱: ۹-۳۳.
- قانع‌راد، محمدمین و فرهاد خسروخاور (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید: پایان مبارزه برای رفاه و سیاست اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۵: ۲۳۵-۲۶۷.
- کتابی، محمود و همکاران (۱۳۸۴)، «دولت و بحران رفاه و توسعه»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۶: ۱۳-۴۱.
- کوششی، مجید و همکاران (۱۳۹۲)، «تأثیر حمایت‌های اجتماعی غیررسمی بر کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته به‌مثابه یک مسئله اجتماعی: مطالعه صندوق تأمین اجتماعی و صندوق صنعت نفت»، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۱۰۹-۱۳۰.
- گروسی، سعیده و علی نقوی (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان»، *مجله رفاه اجتماعی*، شماره ۳۰ و ۳۱: ۶۱-۸۲.
- گل‌پرور، محسن و همکاران (۱۳۸۸)، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه با همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۳۲: ۱۳۱-۱۶۶.
- محمدی، زهره و مسعود حسین چاری (۱۳۸۸)، «تأثیر ادراک دشواری کار بر کیفیت زندگی پرستاران»، *مطالعات زنان*، شماره ۱: ۱۱۸.
- معصومی، نسرین و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی استقلال سالمندان بازنشسته و عوامل مؤثر بر آن در شهر رشت»، *دوفصلنامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان*، شماره ۶۵: ۴۶-۵۱.
- هانت، ای ک (۱۳۸۱)، *تکامل نهادها و ایدئولوژی اقتصادی*، مترجم سهراب بهداد، تهران: نشر آگه.

- Bengston, V. L. and Poutney, N. (2009), **Handbook of Theories of Aging**: Springer.
- Gubrium, J. F. (1972), "Toward a Socio-Environmental Theory of Aging", **The Gerontologist**, No. 3: 281-284.
- Irvall, B (2002), **Library Services to Institution for Elderly in Sweden**, 68th IFLA Council and General Conferences.
- Kalache, A. (2002), "Compression of Morbidity and Active Aging: Key Priorities for Public Health Policy in the 21th Century", **The International Journal of Public Health**, Vol. 80, No. 3: 243-244.
- Laslett, P. (1998), **A Fresh Map of Life: the Emergence of the Third Age**, London, Weidenfeld and Nicolson.
- Ready for Aging? (2012), **Published by the Authority of the House of Lords: The Stationary Office Limited**, Published 14 March 2013.